

واکاوی جرم توهین نسبت به شهود و مطلعین در نظام حقوقی ایران و آلمان

سید محمدرضا تکیه خواه^۱؛ زانکو وطن خواه^۲؛ هانیه فلاح^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱

چکیده

شهود و مطلعین به عنوان دو عامل مهم دستگاه عدالت کیفری نقش مهمی را در کشف حقیقت و حصول نتیجه ایفا می نمایند. آنان می بایست بتوانند در پناه اصل دادرسی منصفانه و به دوراز توهین از سوی طرفین دعوا، اظهارات خود را به طور واضح و روشن و صادقانه بیان نمایند. توهین نسبت به دستگاه عدالت کیفری منجر به اخلال در روند دادرسی می شود؛ در این صورت، آن ها نمی توانند اظهارات خود را آن گونه که شایسته کشف حقیقت و حصول نتیجه است، عنوان نمایند. لذا می بایست تدابیری اتخاذ گردد تا مطلعین در نهایت استقلال و بی طرفی، در مرجع قضایی اظهار نظر نمایند. این پژوهش با روشی توصیفی- تحلیلی و با بهره گیری از منابع کتابخانه ای درصدد بررسی جرم توهین نسبت به شهود و مطلعین در دو نظام حقوقی ایران و آلمان است. یافته های تحقیق نشان داد که در هر دو کشور جرم مستقلی تحت عنوان توهین نسبت به شهود و مطلعین وجود ندارد و برای تعیین ضمانت اجرای کیفری نسبت به رفتار پیوسته مجرم علیه بازیگران دستگاه عدالت کیفری بایستی به مقررات عمومی رجوع نمود. همچنین مقررات دیگری در نظام حقوقی هر دو کشور پیش بینی شده است که دربرگیرنده رویکرد پیشگیرانه است.

واژگان کلیدی: توهین، عدالت کیفری، شهود، دادرسی منصفانه، استقلال، بی طرفی؛

^۱. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه کردستان Rezatkh1375@gmail.com

^۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان zankovatankhah10@gmail.com

^۳. کارشناسی حقوق، دانشگاه بوعلی همدان falahhanieh26@gmail.com

مقدمه

شهود و مطلعین از جمله کنشگران اصلی نظام دادرسی کیفری محسوب می‌شوند و نقش مهمی در سرنوشت دعاوی کیفری ایفا می‌نمایند؛ تا آنجایی که استماع اظهارات آنان بر کشف حقیقت و حصول نتیجه اثر می‌گذارد و موجب می‌شود تا شخصی به‌عنوان مجرم شناخته و برچسب مجرمیت به او زده شود و یا فردی که متهم به ارتکاب جرم است، تبرئه گردد (آشوری، ۱۳۸۵، جلد ۲، ص ۱۳). شهود و مطلعین بعد از شاکی و متهم، تنها اشخاصی هستند که تا حد زیادی از وقوع جرم آگاه هستند. از این‌رو، با ادای شهادت سعی در بازگو نمودن واقعیت دارند. این امر ممکن است به ضرر یکی از اصحاب دعوی و یا همه آنان باشد. به همین منظور، آنان سعی می‌کنند با تحمیل فشار بر شاهد و مطلع، از ادای شهادت جلوگیری به عمل آورند. برای دستیابی به این هدف، هر یک از اصحاب دعوی و یا شخص ثالث که شهادت شهود به ضرر وی است، با ارائه راهکارهای مختلف سعی در خنثی نمودن شهادت شهود می‌نمایند که این امر می‌تواند به بزه دیده واقع‌شدن شهود و مطلعین منجر گردد. بزه دیدگی شهود و مطلعین بیشتر در جرائم شرکتی و سازمان‌یافته تحقق پیدا می‌کند، چراکه استماع شهادت شهود و یا اظهارات مطلعین سبب می‌شود تا برنامه‌های گروه مجرمانه به نتیجه نرسد و جرمشان کشف شود. به همین منظور، احتمال دارد اعضای گروه به‌قصد انتقام از شاهد و مطلع برخیزند و امنیت جانی فرد و خانواده وی را در معرض انواع خطرات و آسیب‌های مختلف جسمانی، روانی، اجتماعی و یا اخلاقی قرار دهند (باقری نژاد، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵).

از جمله رفتارهای مخاطره‌آمیزی که ممکن است علیه شهود و مطلعین رخ دهد، رفتارهای توهین‌آمیز است. توهین یکی از جرائم علیه حیثیت معنوی اشخاص تلقی می‌گردد و به‌نوعی موجب سلب آزادی روان فرد بزه دیده می‌شود (آقایی نیا، ۱۴۰۱، ص ۱۴). شهود و مطلعین به علت اظهاراتی که در جلسه دادرسی بیان می‌کنند، از سوی اصحاب دعوی و یا سایر افراد در معرض توهین‌های مختلف قرار می‌گیرند. یکی از پیامدهای ارتکاب رفتارهای توهین‌آمیز نسبت به شهود و مطلعین آن است که امنیت روانی فرد و بستگان وی را در معرض آسیب قرار می‌دهد. از این‌رو، برخی از شهود و مطلعین به‌منظور در امان ماندن و مصون بودن از توهین‌های اصحاب دعوی، از ادای شهادت جلوگیری می‌کنند و یا آن‌که در جلسه دادرسی خلاف آنچه را که دیده و یا

شنیده‌اند، بیان می‌نمایند. این امر، صدمات جبران‌ناپذیری بر فرایند دادرسی می‌گذارد. ممانعت شهود و مطلعین از ادای شهادت و یا اظهار خلاف واقع آنان از یک‌سو، در روند فرایند دادرسی اثربخش است و موجب پیچیدگی ابعاد مختلف دعوای موردنظر می‌شود. از سوی دیگر، این امر موجبات از بین رفتن دادرسی عادلانه را فراهم می‌سازد. افزون بر آن، در بسیاری از نظام‌های حقوقی، اظهار خلاف واقع شهود و مطلعین جرم بوده و فرد بزهکار بر اساس جرم ارتكابی مجازات می‌شود. با توجه به پیامدهایی که رفتارهای توهین‌آمیز نسبت به شهود و مطلعین بر فرد و بر دادرسی دارد، جرم‌انگاری این رفتار اهمیت خاصی پیدا می‌کند، چراکه با جرم‌انگاری توهین نسبت به شهود و مطلعین، اصحاب دعوی به علت ترس از مجازات شدن، از توهین نسبت به آنان امتناع می‌کنند و موجب می‌شود تا آمار رقم سیاه بزه دیدگی و بزهکاری شهود و مطلعین کاهش یابد.

در سیاست جنایی قانونی کشورهای مختلف، حمایت‌های ماهوی و شکلی خاصی از شهود و مطلعین به‌عمل آمده است. نظام حقوقی ایران و آلمان به علت داشتن قوانین خاص در زمینه حمایت از شهود و ارائه راهکارهای مناسب در جهت پیشگیری از ارتكاب جرم توهین نسبت به شهود و مطلعین، اهمیت ویژه و قابل‌توجهی دارند. در حقوق آلمان در سال ۱۹۹۸، قانونی تحت عنوان قانون حمایت از شهود به تصویب رسید و مقررات پیشگیرانه مختلفی را در جهت حمایت از شهود و مطلعین پیش‌بینی نموده نمود. در سیاست جنایی قانونی ایران نیز آیین‌نامه‌ای تحت عنوان آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعین در سال ۱۳۹۵، به تصویب رسید و مقررات شکلی خاصی در حمایت از شهود و مطلعین پیش‌بینی کرد. وجود این مقررات در نظام حقوقی هر دو کشور، ضرورت واکاوی عناصر و ارکان جرم توهین نسبت به شهود و مطلعین را ایجاب نموده است. مسئله اساسی این پژوهش آن است که ضمن تشریح مفاهیم اساسی پژوهش، ارکان و عناصر تشکیل‌دهنده جرم توهین نسبت به شهود و مطلعین در نظام حقوقی ایران و آلمان واکاوی گردد. نظر به این‌که استماع شهادت شهود و اظهارات مطلعین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ادله اثبات دعوی شناخته می‌شود (حسامی، ۱۳۸۷، ص ۷)، از این‌رو، شناخت راهکارهای پیشگیرانه در قبال توهین به آنان در فرایند دادرسی، تأثیر به‌سزایی بر حصول نتیجه دارد. به این منظور، شناخت مفاهیم مرتبط با آن و واکاوی ارکان و عناصر تشکیل‌دهنده جرم توهین نسبت به شهود و مطلعین در

حقوق کیفری ایران و آلمان از اهمیت به سزایی برخوردار است. این پژوهش بر اساس روش تحلیلی-توصیفی تدوین گردیده است، به این صورت که در قسمت اول، مفاهیم اساسی پژوهش تشریح می‌شود و پس از آن با تجزیه و تحلیل بحث تلاش می‌شود که نتایج منطقی و دقیقی از موضوع پیش رو به دست آید.

بند اول: تشریح مفاهیم اساسی

بحث راجع به یک موضوع و درک درست از مسائل پیرامون آن، مستلزم شناخت مفاهیم آن موضوع است تا از این طریق آگاهی نسبی پیرامون موضوع حاصل شده و خواننده آمادگی ورود به بحث اصلی را پیدا نماید. مفاهیم موضوع مورد تحقیق از اهمیت اساسی برخوردار است و بدون آشنایی لازم با اصطلاحات آن، امر مورد نظر به دست نخواهد آمد. از این رو، لازم است تا بدو این مفاهیم شناسایی و تشریح گردد. در این قسمت، مفاهیم کلیدی پژوهش یعنی ماهیت کلی جرم توهین و مفهوم شاهد و مطلع تبیین می‌گردد.

۱-۱) ماهیت کلی جرم توهین

توهین در لغت از ریشه وهن گرفته شده است و به معنی سست کردن، ضعیف کردن و خوار و خفیف کردن است (عمید، ۱۳۸۷، ص ۶۴۳). در اصطلاح نیز توهین به هر رفتاری اعم از فعل، گفتار، اشاره و یا نوشته دلالت می‌کند که به نحوی موجب وهن حیثیت کسی در نظر افراد متعارف و عادی جامعه شود. به عبارت بهتر، توهین، رفتار و گفتار رکیکی است که برخلاف آداب و شئون و عرف جامعه باشد (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲، جلد ۱، ص ۴۷۶). این عمل نه تنها از لحاظ حقوقی نکوهیده و ناپسند است، بلکه از لحاظ اخلاقی نیز مذموم شناخته شده است. جرم توهین نسبی است، یعنی لفظی نسبت به یک شخص با توجه به موقعیت و فرهنگ وی توهین محسوب می‌گردد، اما همین لفظ نسبت به فرد دیگر توهین نیست. پس برای اثبات جرم توهین علاوه بر سه عنصر قانونی، مادی و معنوی جرم باید به سایر شرایط نیز توجه نمود. به بیان دیگر، ممکن است رفتاری اعم از فعل، گفتار، اشاره و نوشته در یک جامعه توهین به حساب آید، اما در جامعه دیگر آن رفتار توهین شناخته نشود. از این رو، می‌توان اظهار داشت که

عرف یک جامعه موجب می‌شود تا قانون‌گذار ضرورت جرم‌انگاری و یا عدم جرم‌انگاری توهین را دریابد و بر اساس آن، اقدام به تعیین رفتار مجرمانه کند (گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۳۷۵). بنابراین، جرم توهین از محدود جرائمی است که شمول آن بر همه افراد یکسان نیست و دادگاه لزوماً با توجه به موقعیت و فرهنگ فرد بزه دیده، شرایط را مدنظر و موردبررسی قرار می‌دهد.

یکی از دشواری‌های تعریف مفهوم توهین آن است که در برخی از نظام‌های حقوقی، تعریف دقیق و روشنی از این مفهوم ارائه نشده است. به‌عنوان مثال، در سیاست جنایی تقنینی ایران، مفهوم توهین تشریح نگردیده و مقنن صرفاً برای کسی که مرتکب توهین می‌شود، مجازات تعیین نموده است. همچنین، در نظام حقوقی آلمان تعریفی دقیق و روشن از مفهوم توهین به عمل نیامده است. البته این امر دارای ایراد نیست، چراکه لازم نیست تمامی مفاهیم مورد استفاده در جامعه در قانون تعریف و تشریح گردند، زیرا برخی مفاهیم آن قدر در میان اقشار مختلف جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرند که همه افراد آن جامعه آشنایی لازم با آن مفهوم پیدا می‌نمایند و نیازی به تشریح و تعریف آن مفهوم نیست. این‌گونه مفاهیم را عرف تعیین می‌کند. به‌عنوان مثال، وقتی صحبت از قتل می‌شود، ذهن تمامی افراد آن جامعه، به سمت کشتن فردی توسط فردی دیگر سوق می‌یابد. همچنین، زمانی که صحبت از سرقت می‌شود، ربودن مال دیگری به ذهن، متبادر می‌گردد. در اصول فقه چنین حالتی را حقیقت عرفی عام می‌نامند، یعنی آن چیزی که از عرف گرفته می‌شود و نیازی به تعریف مجدد از سوی مقنن نیست؛ نظیر واژه مستی و... (سید محمدی، ۱۳۹۷، ص ۶۴). واژه توهین از این دست مفاهیم است و آنچه به نظر عرف مذموم و ناپسند باشد و به‌منظور سست نمودن دیگری اتفاق افتد، توهین به حساب می‌آید.

۲-۱) شاهد و مطلع

ممکن است که شاکی برای اثبات شکایت خود به شهادت کسی که شاهد وقوع جرم بوده و یا به اطلاعات شخص دیگری استناد نماید و همچنین در فروضی که مرجع قضایی رأساً تشخیص دهد یا آن‌که فرد بزه‌کار تقاضا نماید، باید از شاهد و مطلع نیز تحقیق به عمل آید. چنین اقدامی به‌عنوان یکی از اقدامات تحقیقی توسط مقام

تحقیق کننده انجام می شود. شاهد کسی است که وقوع جرم را مشاهده و یا از طریق سایر حواس خود ادراک نموده است. مطلع کسی است که رویداد مجرمانه را با حواس خود ادراک نکرده است، لیکن اطلاعاتی از وقوع آن دارد (خالقی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۲-۱۹۱).

بند دوم: مقایسه رفتار توهین آمیز نسبت به شهود در نظام حقوقی ایران و

آلمان

در نظام عدالت کیفری ایران و آلمان به منظور حمایت از شهود و مطلعین و پیشگیری از ارتکاب جرم توهین نسبت به آنان، مقرراتی پیش بینی شده است که می تواند آمار رقم سیاه بزه کاری و بزه دیدگی آنان را کاهش دهد. به همین منظور، در هر دو کشور، قانونی تحت عنوان قانون حمایت از شهود وضع گردیده و حمایت های مختلفی از آنان به عمل آمده است. همچنین، قانون جزای هر دو کشور، به جرم انگاری توهین پرداخته است و می توان آن را اماره ای در جهت حمایت از شهود و مطلعین قلمداد نمود. به طور کلی، یکی از نقاط مشترک قوانین هر دو کشور آن است که هم در حقوق ماهوی و هم در حقوق شکلی، مقرراتی در خصوص پیشگیری از ارتکاب جرم توهین نسبت به شهود و مطلعین پیش بینی شده است. در حوزه حقوق ماهوی، جرم انگاری توهین نسبت به شهود و مطلعین و در حوزه حقوق شکلی، وضع مقررات حمایتی ویژه در فرایند دادرسی، از حمایت های قوانین هر دو کشور در جهت پیشگیری از تحقق جرم توهین نسبت به یاوران دستگاه عدالت کیفری است. در ادامه برای تبیین هر چه بیشتر بحث، قوانین موجود در نظام حقوقی هر دو کشور مورد واکاوی قرار می گیرد.

۱-۱) نظام حقوقی آلمان

در نظام حقوقی آلمان، برای پیشگیری از جرم توهین نسبت به شهود، مقررات مختلفی پیش بینی شده است. فصل چهاردهم قانون جزای آلمان ضمن بررسی مصادیق مختلف جرم توهین، قواعد عمومی حاکم بر آن را مورد بررسی قرار داده است. لیکن یکی از ایرادات موجود در این قانون، عدم پیش بینی جرمی خاص با عنوان توهین علیه شهود

و مطلعین است. در این راستا، این چالش ایجاد می‌شود که چگونه رفتاری که در قانون به‌عنوان رفتار مجرمانه شناخته‌نشده است، می‌توان آن را جرم‌انگاری نمود؟ مطابق اصل قانونی بودن جرائم و مجازات، هیچ عملی جرم نیست مگر آن که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد (لوترمی، ۱۳۸۷، ص ۴۴). بر این اساس، از آنجایی که در حقوق جزای آلمان، جرمی تحت عنوان توهین نسبت به شهود پیش‌بینی نشده است، نمی‌توان آن را جرم‌انگاری نمود. در پاسخ به این ایراد می‌بایست بیان داشت که با نگاهی به مواد ۱۸۵ به بعد قانون جزای آلمان در بحث از توهین، می‌توان دریافت که مصادیق مختلف توهین به‌صورت کلی و عام بیان شده است و برای تک‌تک اقشار جامعه پیش‌بینی نشده و دایره شمول آن عام و گسترده است. در بعضی از موارد، برخی از اشخاص به علت جایگاه ویژه و حساسی که دارند بیشتر مورد توجه مقنن بوده و توهین به آنان دارای مجازات بیشتری است.

از این‌رو، جرم‌انگاری توهین نسبت به شهود و مطلعین، تعارضی با اصل قانونی بودن جرم و مجازات ندارد و مشمول ماده ۱۸۵ و سایر مواد قانونی مرتبط می‌گردد. در نتیجه، بررسی مواد مرتبط فوق‌الذکر کمک شایانی در واکاوی بحث می‌کند.

قانون حمایت از شهود مصوب ۱۹۹۸ میلادی، تدابیر شکلی خاصی را در حمایت از شهود و مطلعین در فرایند دادرسی کیفری پیش‌بینی نموده است. بنابراین، تدابیر حمایتی از شهود و مطلعین در قبال توهین به آنان در قانون حمایت از شهود بهتر از قانون جزا است. از جمله راهکارهایی که قانون حمایت از شهود پیش‌بینی کرده است عبارت‌اند از: شهادت در خارج از دادگاه، خارج نمودن متهم از دادگاه، ایجاد مانع میان شاهد و مطلع با هر یک از اصحاب دعوی، شهادت و اظهار نظر از طریق تلویزیون‌های مداربسته، تغییر صدا و تصویر، وجود یک واسطه برای ردوبدل کردن اظهارات شاهد و مطلع و ارائه خلاصه‌ای از مطالب (امیریان فارسانی و بنی اسدی، ۱۴۰۲، ص ۱۸۰). فلسفه وجودی تصویب قانون حمایت از شهود آن است که شاهد و مطلع را در برابر توهین و تهدید تحت حمایت قرار دهد. هدف از تصویب این قانون، بهبود شیوه‌های استماع شهادت شهود با به‌کارگیری فناوری‌های سمعی و بصری است، به این صورت که نیازی به حضور شاهد در جلسات دادگاه نیست و شاهد و مطلع می‌توانند از حضور وکیل در جلسه دادرسی بهره‌مند شوند. این مورد یکی از مهم‌ترین راهکارهای پیشگیرانه

در قوانین کیفری آلمان به حساب می‌آید. تعیین وکیل برای شاهد و مطلع اقدامی مثبت در جهت پیشبرد دادرسی منصفانه است و موجب تضمین امنیت جانی و روانی آنان می‌گردد و از این رو با خیالی آسوده شهادت را ادا می‌کنند، به‌ویژه در مواردی که خطرات جانی آن‌ها را تهدید می‌کند (میرکمالی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۷).

در قانون مزبور پیش‌بینی وکیل به همراه شاهد نقطه عطفی به حساب می‌آید، چراکه حضور وکیل به‌عنوان یکی از ارکان اصلی عدالت قضایی، آرامش خاطر بیشتر به شاهد و بستگان وی می‌دهد و موجب می‌شود که شاهد و مطلع کمتر در معرض آسیب‌های جسمی و روحی قرار گیرند و خانواده آن‌ها از امنیت بیشتری برخوردار باشند.

به‌طور کلی با نگاهی به تاریخ حقوق کیفری آلمان می‌توان دریافت که در سابقه تقنینی این کشور، مقررات زیادی در بحث از جرم‌انگاری توهین وجود دارد. به‌عنوان مثال، قانون جزا مصوب ۱۹۱۰، شرافت را ارزش و قیمت شخص می‌دانست (لطف‌اللهی و امامی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۸۸). قانون مزبور بر این نکته تأکید می‌ورزید که فحاشی و توهین دو موضوع جدا از هم می‌باشند و هر دو عمل، شرافت انسان را دچار خدشه می‌نمایند و از قیمت آدمی می‌کاهند. در گذشته میان دو مفهوم توهین و فحاشی تفاوت‌هایی وجود داشت. مطابق قوانین گذشته آلمان، منظور از فحاشی، استعمال الفاظ رکیک و یا متصف نمودن فرد به یکی از صفات زشت و مذموم است، بدون آن‌که امری به وی نسبت داده شود؛ نظیر آن‌که شخصی به دیگری بگوید که "تو متقلب هستی". توهین نیز به معنای نسبت دادن امر معلوم مجرمانه به دیگری است. مجازات هر دو رفتار، ۲ ماه تا یک سال حبس و جریمه مالی بود و همچنین علنی بودن رفتار توهین و فحاشی نسبت به فرد قربانی به تشدید مجازات فرد بزه‌کار منجر می‌گردید.

فصل چهاردهم قانون فعلی جزای آلمان از ماده ۱۸۵ تا ۲۰۳ به‌طور دقیق مصادیق و قواعد حاکم بر جرم توهین و افترا را بیان نموده است (بوهلاندر، ۱۳۹۴، ص ۹۸). از آنجایی که در قانون جزای آلمان در خصوص جرم، توهین نسبت به شهود و مطلعین مقرر، روشنی وجود ندارد؛ از این رو، بررسی مصادیق مختلف و مرتبط با توهین، می‌تواند در شناخت ارکان و عناصر توهین نسبت به شهود و مطلعین مؤثر باشد. به‌طور کلی، توهین به دودسته تقسیم می‌شود. نخست، توهین ساده. دوم، توهین مشدد. در حقوق کیفری آلمان، اصل بر توهین ساده است، مگر آن‌که شرایط و موقعیت‌های خاصی وجود

داشته باشد که موجب تشدید مجازات شود. در خصوص توهین به شهود و مطلعین نیز این قضیه صادق است، به این صورت که چنانچه هر یک از اصحاب دعوی و یا اشخاص ثالث به شاهد و یا مطلع و یا بستگان آنان توهین کنند، توهین آن‌ها توهین ساده تلقی شده و مطابق ماده ۱۸۵ به حبس تا یک سال و یا جریمه نقدی محکوم می‌شوند. در صورتی که دادرسی حکم به حبس نمودن فرد بزهکار دهد، نمی‌تواند به حبسی بیش از ۱ سال حکم دهد. افزون بر آن، چنانچه توهین همراه با تهدید لفظی و امثال آن باشد، مرتکب به حبس تا حداکثر دو سال و جزای نقدی محکوم می‌شود. جرم مذکور در ماده ۱۸۵ فقط بر اساس تقاضای شاکی مورد تعقیب قرار خواهد گرفت، مگر اینکه قربانی عضو یک گروه در حکومت سوسیالیست ملی یا رژیم دیکتاتوری دیگر مورد تعقیب قرار گرفته باشد و در صورتی که گروه مذکور بخشی از مردم بوده و توهین مرتبط با این تعقیب باشد و عمل مذکور از طریق انتشار مطالب کتبی یا علنی کردن توهین در یک جلسه عمومی یا از طریق پخش آن از طریق رادیو و تلویزیون صورت گرفته باشد که در این صورت برای شروع به تعقیب نیازی به تقاضای بزه دیده نیست. اگر بزه دیده مخالفت کند و شکایت خود را مطرح نکند، بزهکار به واسطه انصراف قربانی از حق خود مورد تعقیب قرار نخواهد گرفت و این انصراف قابل صرف نظر کردن نیست (لطف الهی و امامی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۸۹).

به عبارت بهتر، در ماده ۱۸۵ قانون جزای آلمان با شکایت شاکی، بزهکار تعقیب می‌شود، لیکن این امر مطلق نیست و در برخی موارد نیازی به شکایت شاکی نیست و خود مقام تعقیب موضوع را پیگیری می‌کند. این امر به واسطه ارتباط تنگاتنگ توهین بانظم عمومی است. از این رو شاهد و یا مطلع که برای ادای شهادت در جلسه دادرسی حاضر شده است، چنانچه در یک گروه در حکومت سوسیالیست ملی یا رژیم دیکتاتوری دیگر مورد تعقیب قرار گرفته باشد و در صورتی که گروه مذکور بخشی از مردم بوده و توهین مرتبط با این تعقیب باشد و عمل مذکور از طریق انتشار مطالب کتبی یا علنی کردن توهین در یک جلسه عمومی یا از طریق پخش آن از طریق رادیو و تلویزیون صورت گرفته باشد، نیازی به شکایت شاهد و یا مطلع نیست و خود دادستان به عنوان مقام تعقیب به جرم مذکور رسیدگی می‌نماید.

چنانچه یکی از اصحاب دعوی و یا وکلای آن‌ها در اثنای فرایند دادرسی نسبت به

شاهد و یا مطلع، مرتکب توهین شوند و شاهد یا مطلع پیش از تقاضای تعقیب متهم فوت نماید، به موجب ماده ۷۷ قانون مجازات آلمان، حق تقاضای تعقیب به همسر، شریک همجنس و فرزندان شاهد و یا مطلع متوفی منتقل می‌شود (لطف‌اللهی و امامی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۸۹). این موضوع یکی از امتیازات قانون جزای آلمان به حساب می‌آید، چراکه بسیاری بر این باورند که جرائمی که علیه حیثیت و شخصیت افراد رخ می‌دهند، چندان اهمیتی ندارد و با تقاضای شاکی به جرائم مذکور رسیدگی می‌شود. با همین نگرش، در برخی از نظام‌های حقوقی توهین نسبت به اشخاص صرفاً از باب تعیین مجازات پیش‌بینی شده است و حقوق اندکی برای بزه دیده و بستگان آن‌ها در قبال رسیدگی به امر مجرمانه مقرر شده است، به این معنا که به محض فوت شاکی و یا بزه دیده، موضوع سالبه به انتفاع بوده و قابلیت رسیدگی ندارد و با فوت وی، امکان تقاضای تعقیب متهم توسط سایر بستگان متوفی وجود ندارد. با وجود این، ماده ۷۷ قانون جزای آلمان از این وضعیت خارج شده است و توهین را به‌عنوان یکی از جرائم دارای اهمیت تلقی نموده است. رویکرد مقنن آلمان آن بوده که پس از فوت بزه دیده نیز تهدیدی نسبت به بستگان ایشان رخ ندهد و آنان بتوانند حقوق زائل شده متوفی و همچنین خود را پس بگیرند.

علاوه بر این موارد، نکته‌ای که قانون‌گذار آلمان در خصوص توهین به شاهد و مطلع بیان نموده، آن است که اگر شخص شاهد و یا مطلع در جلسه دادرسی در پاسخ به عمل توهین‌کننده نسبت به وی مرتکب توهین متقابل شود، رفتار مجرمانه مطابق ماده ۱۹۹ قانون جزاء از هر دو ساقط می‌شود و هیچ‌کدام تعقیب نمی‌شوند (میر محمدصادقی، ۱۳۹۲، ص ۴۷۸). این امر نشان‌دهنده ارتجالی بودن توهین است. توضیح آن که اگر کسی به دیگری توهین نمود، طرف دیگر نیز می‌تواند نسبت به وی مرتکب توهین متقابل شود. این موضوع برخلاف جرم توهین در حقوق ایران است. در حقوق ایران، توهین به صورت ارتجالی نبوده و هرکسی که به دیگری توهین نماید، مجازات می‌شود و طرف دیگر نمی‌تواند در پاسخ به توهین دیگری نسبت به وی مرتکب توهین شود و چنانچه مرتکب چنین عملی شود، وی نیز مجازات خواهد شد.

در حقوق آلمان، برخی از مصادیق جرم توهین مشدد محسوب شده و دارای مجازات شدیدتری در مقایسه با ماده ۱۸۵ می‌باشند. به‌طور کلی، مصادیق توهین مشدد در

حقوق آلمان عبارت‌اند از: بدنام سازی، بدنام سازی عمدی، بدنام سازی افراد در صحنه سیاسی، توهین به مرده، توهین به مذاهب و انجمن‌های مذهبی و ایدئولوژی، توهین به ارگان‌ها و نمایندگان دول خارجی، بی‌احترامی به پرچم و نشان‌های رسمی دول خارجی، توهین به رئیس دولت فدرال، توهین به کشور و علائم رسمی آن و بی‌اعتبار سازی نهادهای قانونی (لطف الهی و امامی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۹۰). از میان موارد فوق‌الذکر ارتکاب ۳ مورد علیه شاهد و مطلع به دلیل اظهاراتی که بیان می‌کنند وجود دارد و آن بدنام سازی، بدنام سازی عمدی و توهین به مرده است که در زیر به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

الف) بدنام سازی

طبق ماده ۱۸۶ قانون جزای آلمان، هرکسی مطلبی را در مورد دیگری اظهار و یا منتشر نماید که او را بدنام سازد یا بر افکار عمومی نسبت به وی تأثیر منفی بگذارد به مجازات حبسی که بیشتر از دو سال نخواهد بود و یا جریمه مالی محکوم خواهد شد. بدنام سازی شاهد و یا مطلع زمانی مشمول عنوان مجرمانه می‌شود که بزهکار مطلبی علیه شاهد و یا مطلع اظهار نماید و یا آن را منتشر کند. این اظهار و انتشار می‌تواند به صورت گفتاری و یا نوشتاری و یا هر رفتار دیگری باشد. شرط دیگر تحقق این جرم آن است که اظهارات فرد بزهکار و یا انتشار مطالب راجع به شاهد و یا مطلع موجب بدنام سازی آنان شود و یا آن‌که دید اذهان را نسبت به آن‌ها نامناسب جلوه دهد؛ بنابراین چنانچه فردی در خصوص شاهد و یا مطلع، مطالبی را بیان کند و یا آن را منتشر نماید اما با انتشار این مطالب، شاهد و یا مطلع در دید اذهان بدنام نشود و یا آن‌که انتشار مطالب علیه شاهد و مطلع بر افکار عمومی تأثیر منفی نگذارد، جرم موضوع ماده ۱۸۶ تحقق پیدا نمی‌کند. در نتیجه به نظر می‌رسد که جرم موضوع ماده ۱۸۶، جرمی مقید بوده و منوط به حصول نتیجه است.

برای تحقق این جرم، نیازی به شکایت فرد قربانی نیست و خود مقام تعقیب‌کننده به محض اطلاع از وقوع جرم موضوع را پیگیری خواهد نمود. مجازات جرم موضوع ماده ۱۸۶، حبس تا دو سال و جریمه نقدی است. نکته‌ای که در خصوص مجازات مذکور در این ماده حائز اهمیت است آن است که قانون‌گذار آلمان، جرم موضوع ماده ۱۸۶ را جزو

توهین‌های مشدد به شمار آورده است، اما توهین همراه با تهدید لفظی را با همان میزان مجازات به‌عنوان توهین ساده قلمداد نموده است. این امر دارای تعارضی ظاهری بوده و ابهام دارد؛ به‌عبارت‌دیگر، چالشی که مطرح است آن است که چگونه توهین همراه با تهدید باوجود میزان حبس تا دو سال و جریمه مالی توهین ساده به‌حساب می‌آید، اما بدنام‌سازی افراد با همان میزان مجازات توهین مشدد است؟ با نگاهی به مندرجات مواد ۱۸۵ و ۱۸۶ می‌توان این تعارض ظاهری را برطرف نمود و آن توجه به این مطلب است که علت مشدد بودن بدنام‌سازی افراد با به کار بردن رفتارهای توهین‌آمیز آن است که فرد بزهکار برای بدنام نمودن بزه دیده مطالبی را برای افراد و گروه‌های خاصی اظهار می‌کند و یا آن که مطالب را به هر نحوی منتشر نماید؛

بنابراین عنصر مادی جرم بدنام‌سازی، انتشار مطالبی در میان افراد جامعه است و ازاین‌رو، این جرم دارای عمومیت بیشتری است. این در حالی است که توهین همراه با تهدید لفظی از چنین عمومیتی برخوردار نبوده و فرد بزهکار صرفاً با اعمال و رفتار خاصی مرتکب توهین و تهدید نسبت به قربانی می‌گردد. ازاین‌رو، عمل ارتكابی خفیف‌تر از جرم موضوع ماده ۱۸۶ است، هرچند که مجازات هر دو جرم یکسان است. علت دیگر مشدد بودن جرم بدنام‌سازی شاهد و مطلع نسبت به جرم موضوع ماده ۱۸۵ آن است که در جرم بدنام‌سازی، رفتار فرد باید به‌گونه‌ای باشد که بر افکار عمومی تأثیر منفی بگذارد، درحالی‌که چنین قیدی برای تحقق جرم توهین موضوع ماده ۱۸۵ لازم نیست.

ب) بدنام‌سازی عمدی

مطابق ماده ۱۸۷ قانون مجازات‌آلمان، هر کس به‌طور عمدی و آگاهانه مطلب خلاف واقعی را در ارتباط با شخص دیگری اظهار یا منتشر نماید که او را بدنام سازد یا بر افکار عمومی نسبت به وی تأثیر منفی بگذارد، یا اعتبار او را به مخاطره بیندازد، به مجازات حبسی که بیشتر از دو سال نخواهد بود یا جریمه مالی محکوم خواهد شد و در صورتی‌که جرم مذکور درملاءعام در جلسه عمومی یا از طریق انتشار مطالب مکتوب ارتکاب یابد، مجرم به مجازات حبسی که بیشتر از پنج سال نخواهد بود یا جریمه مالی محکوم خواهد شد. جرم موضوع ماده ۱۸۷ تحت عنوان بدنام‌سازی عمدی از آن یاد

می‌شود که رفتار فیزیکی لازم برای تحقق این جرم با فعل مثبت تحقق می‌یابد و در صورت تحقق هر یک از افعال زیر جرم مذکور رخ می‌دهد.

نخست، مرتکب مطالب خلاف واقعی را علیه شاهد و یا مطلع اظهار کند. با این توضیح که چنانچه متهم به صورت گفتاری و یا نوشتاری مطالبی را علیه هر یک از یاوران دستگاه عدالت کیفری بیان کند و مضمون آن اظهارات رفتار توهین‌آمیز و تحقیرآمیز باشد، جرم بدنام سازی عمدی محقق می‌گردد. به‌عنوان مثال، چنانچه متهم و یا وکیل وی در جلسه دادرسی شاهد را فردی رشوه‌خوار و دزد بنامند، موضوع با حصول سایر شروط مشمول عنوان جرم بدنام سازی عمدی می‌شود.

ثانیاً، فردی علیه شاهد و یا مطلع مطالبی را برخلاف واقع منتشر نماید. انتشار مطالبی که حاوی الفاظ و نوشته‌های رکیک و توهین‌آمیز است، بدنام سازی عمدی قلمداد می‌گردد. مقنن نحوه انتشار را بیان نکرده است و انتشار مطالب علیه شهود و مطلعین می‌تواند به هر صورتی اعم از نوشته‌های خطی و رسانه‌ای و در رادیو و تلویزیون و یا روزنامه و یا در فضای مجازی تحقق پیدا کند؛ بنابراین وسیله ارتباط جمعی برای انتشار مطالب علیه شهود و مطلعین لازم نبوده و این امر می‌تواند به روش‌های دیگری نیز انجام شود.

جرم موضوع ماده ۱۸۷ یعنی بدنام سازی عمدی، جرمی مقید بوده و منوط به حصول نتایج خاصی است و در صورت عدم تحقق هر یک از این نتایج، امکان تحقق جرم مذکور وجود ندارد. نتایجی که برای تحقق جرم بدنام سازی عمدی لازم است عبارت‌اند از: ۱- با انتشار و یا اظهار مطالب موجب بدنام شدن دیگری شود؛ ۲- تأثیرگذاری بر افکار عمومی؛ ۳- اعتبار او را به مخاطره بیندازد.

پ). توهین به مرده (بی‌احترامی به شخص متوفی)

مطابق ماده ۱۸۹ قانون جزای آلمان، هر شخصی به شهرت فرد متوفی بی‌احترامی نماید، به مجازات حبسی که بیشتر از دو سال نخواهد بود و یا جریمه مالی محکوم می‌گردد. در خصوص بی‌احترامی به شاهد و یا مطلع متوفی باید اظهار داشت که چنانچه کسی در اثنای رسیدگی به‌عنوان شاهد و یا مطلع در جلسه و یا جلسات دادرسی حاضر شده باشد و پس از آن فوت نماید و هر یک از اصحاب دعوی به علت اظهاراتی که

شاهد و یا مطلع متوفی در زمان حیات خود که در جلسه دادرسی بیان نموده است بی‌احترامی نماید، عمل فرد جرم بوده و بر اساس ماده ۱۸۹ به حبسی که بیشتر از دو سال نیست و یا جریمه مالی محکوم می‌شود. شرط تحقق جرم مذکور در ماده ۱۸۹ آن است که فردی به شهرت فرد متوفی بی‌احترامی نماید، در این صورت چنین بی‌احترامی به‌عنوان توهین قلمداد می‌گردد.

بی‌احترامی به شهرت شخص متوفی می‌تواند به‌صورت گفتار و یا نوشتار و یا اشاره باشد. به همین منظور، مفهوم بی‌احترامی مفهومی گسترده بوده و تمامی مواردی را که دلالت بر بی‌احترامی باشد، در برمی‌گیرد. در صورتی که به شهرت شخص متوفی بی‌احترامی شود، خویشاوندان وی که در ماده ۷۷ قانون جزا پیش‌بینی شده‌اند، حق تقاضای تعقیب بزهکار را دارند، مگر اینکه شخص متوفی عضو یک گروه در حکومت سوسیالیست ملی یا رژیم دیکتاتوری دیگر مورد تعقیب قرار گرفته باشد و در صورتی که گروه مذکور بخشی از مردم بوده و توهین مرتبط با این تعقیب باشد و عمل مذکور از طریق انتشار مطالب کتبی یا علنی کردن توهین در یک جلسه عمومی یا از طریق پخش آن از طریق رادیو و تلویزیون صورت گیرد، در این صورت برای شروع به تعقیب نیازی به تقاضای خانواده متوفی نیست. اگر کسی که حق تقاضای تعقیب بزهکار را دارد از شکایت خود صرف‌نظر نماید، مجرم مورد تعقیب قرار نخواهد گرفت و این انصراف قابل صرف‌نظر کردن نیست. این مورد در حقوق ایران و طبق قانون مجازات اسلامی، زمانی ممکن خواهد بود که توهین به مرده به‌نوعی توهین به بازماندگان وی محسوب شود؛ در غیر این صورت، هیچ‌کس نمی‌تواند تقاضای مجازات فرد مرتکب را بکند (بوهلاندر، ۱۳۹۴، ص ۹۹-۱۰۰).

۲-۲) نظام حقوقی ایران

در حقوق ایران مانند حقوق آلمان، جرم مستقلی تحت عنوان توهین نسبت به شهود و مطلعین وجود ندارد، به همین منظور، برای مجازات نمودن فردی که نسبت به شهود و مطلعین مرتکب توهین می‌شود، می‌بایست به قواعد عمومی راجع به جرم توهین مراجعه نمود. باوجود عدم صراحت قانونی در خصوص فقدان جرمی مستقل با عنوان توهین نسبت به شهود و مطلعین، آیین‌نامه‌ای تحت عنوان آیین‌نامه حمایت از شهود و

مطلعین در راستای اجرای ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی تا سال ۱۳۹۴، تصویب شد.^۱ این آیین‌نامه حمایت‌های شکلی مختلفی از شهود و مطلعین به عمل آورده است که اجرای این تدابیر سبب کاهش آمار تهدید و توهین نسبت به آنان در فرایند دادرسی می‌شود. همچنین قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی نیز به وضع مقررات خاص در حمایت از شهود و مطلعین در قبال توهین به آنان پرداخته‌اند. از مهم‌ترین تدابیر حمایتی از شهود و مطلعین می‌توان به عدم مواجهه حضوری شاهد و یا مطلع با شاکی یا متهم (موضوع مواد ۳ تا ۷ آیین‌نامه)، عدم افشای اطلاعات شاهد و یا مطلع اعم از آدرس محل سکونت، شماره همراه فرد و نظایر آن (موضوع مواد ۸ تا ۱۲ آیین‌نامه)، استماع شهادت از طریق وسایل ارتباط از راه دور (موضوع مواد ۱۳ تا ۱۶ آیین‌نامه) اشاره نمود و ماده ۱۷ آیین‌نامه نیز مقرر می‌دارد: «مقرر ماده ۲ این آیین‌نامه که منظور همان حمایت از شهود است باید تدابیر لازم را با همکاری مرکز حفاظت اطلاعات قوه قضائیه و ضابطان دادگستری به‌منظور پیشگیری از بروز خطر جانی، حیثیتی و مالی علیه شاهد یا مطلع یا خانواده وی و تأمین امنیت وی اتخاذ نماید. تدابیر مزبور مواردی از قبیل این موارد است: گشت‌های منظم پلیس به‌صورت نمایان یا به نحو پنهانی از محل کار یا سکونت و مسیر تردد شهود یا مطلعان یا خانواده آن‌ها، نظارت بر محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی و نصب تجهیزات الکترونیکی حفاظتی مانند دوربین مداربسته در

^۱ مطابق ماده ۲۱۴، هرگاه بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی برای شاهد یا مطلع و یا خانواده آنان وجود داشته باشد، اما استماع اظهارات آنان ضروری باشد، بازپرس به منظور حمایت از شاهد یا مطلع و با ذکر علت در پرونده، تدابیر زیر را اتخاذ می‌کند:

الف- عدم مواجهه حضوری بین شاهد یا مطلع با شاکی یا متهم؛

ب - عدم افشای اطلاعات مربوط به هویت، مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت شاهد یا مطلع

پ - استماع اظهارات شاهد یا مطلع در خارج از دادسرا با وسایل ارتباط از راه دور

تبصره ۱- در صورت شناسایی شاهد یا مطلع حسب مورد توسط متهم یا متهمان یا شاکی و یا وجود قرائن یا شواهد، مبنی بر احتمال شناسایی و وجود بیم خطر برای آنان، بازپرس به درخواست شاهد یا مطلع، تدابیر لازم را از قبیل آموزش برای حفاظت از سلامت جسمی و روحی یا تغییر مکان آنان اتخاذ می‌کند. ترتیبات این امر به موجب آیین‌نامه ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط وزارت دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره ۲- ترتیبات فوق باید به نحوی صورت پذیرد که منافی حقوق دفاعی متهم نباشد.

تبصره ۳- ترتیبات مقرر در این ماده و تبصره (۱) آن در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز اجراء می‌شود.

محل کار یا سکونت ایشان یا نصب درب‌های ایمنی با رضایت کتبی آنان، در اختیار قرار دادن تجهیزات تماس سریع با مراجع مربوط، آموزش تدابیر دفاع شخصی و حفاظت از سلامت جسمی و روحی و روانی به شهود و مطلعان و خانواده ایشان و تغییر مکان آنان».

افزون بر آن، در قانون مجازات اسلامی نهادی تحت عنوان شهادت بر شهادت پیش‌بینی شده است که از فقه اتخاذ گردیده و در ظاهر شبیه تعیین وکیل برای شاهد در حقوق آلمان است، اما با نگاهی به خصایص مقررات موجود در قوانین کیفری هر دو کشور، دریافت می‌شود که این دو نهاد از یکدیگر مجزا است. شهادت بر شهادت شرعی در صورتی معتبر است که شاهد اصلی فوت نموده و یا به علت غیبت، بیماری و امثال آن، حضور وی متعذر باشد (ماده ۱۸۸). شهادت بر شهادت شرعی دارای محدودیت بوده و در جرائم حق‌الناسی رخ نمی‌دهد. همچنین باید توجه داشت که شهادت بر شهادت شرعی در راستای حمایت از اصحاب دعوی بوده تا حق شخصی زائل نگردد و دادرسی منصفانه دچار خدشه نشود و برای شاهد اصلی نمی‌تواند چندان حمایتی باشد. حال آنکه تعیین وکیل برای شاهد در حقوق آلمان، محدود به موارد خاصی نبوده و در تمامی جرائم امکان‌پذیر است و فلسفه وجودی پیش‌بینی وکیل برای شاهد نیز مستقیماً بر خود شاهد تأثیر می‌گذارد و امنیت جانی و روانی وی را تضمین می‌کند. از این رو، شهادت بر شهادت شرعی با مفهوم تعیین وکیل برای شاهد یکی نیست و هرکدام معانی خاص خود را دارند.

در حوزه جرم‌انگاری توهین علیه شهود و مطلعین برخلاف مقررات حوزه حقوق شکلی، صراحت چندانی وجود ندارد. به همین منظور، ناگزیر باید به قواعد عمومی رجوع نمود. در قانون مجازات اسلامی، مواد مختلفی به جرم‌انگاری توهین پرداخته‌اند. نکته‌ای که در خصوص مواد مذکور لازم است بیان گردد آن است که برخلاف قانون جزای آلمان که مقررات راجع به جرم توهین به‌طور منسجم از ماده ۱۸۵ تا ۱۹۶ است و یازده ماده را به‌طور پیوسته به جرم توهین اختصاص داده است، اما در حقوق ایران، مصادیق مختلف جرم توهین در مواد مختلف بیان شده است و از لحاظ ترتیب منطقی مواد قانونی راجع به توهین، انسجامی وجود ندارد. مواد ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات اصلاحی ۱۳۹۹، ماده ۵۱۳، ماده ۵۱۷ و ماده ۶۱۹ آن قانون برخی از مصادیق

جرم توهین را بیان کرده است. همچنین کتاب دوم قانون مجازات اسلامی یعنی ماده ۲۴۵ تا ۲۶۱ به یکی دیگر از مصادیق جرم توهین اختصاص دارد. عدم انسجام در نظم‌بخشی مواد قانونی موجب ایجاد چالش‌هایی شده است که خارج از بحث پیش رو است.

احتمال وقوع برخی از مصادیق جرم توهین نسبت به شهود و مطلعین در مقایسه با سایر مصادیق بیشتر است. به همین جهت، در ادامه، هر یک از این مصادیق به‌طور مختصر مورد واکاوی قرار می‌گیرند.

الف). توهین موضوع ماده ۶۰۸

مطابق ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ که مقرر می‌دارد: «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد، مستوجب جزای نقدی درجه شش خواهد بود». تا پیش از اصلاح ماده فوق در سال ۱۳۹۹، مجازات توهین ساده در ماده ۶۰۸ شلاق و جزای نقدی بود. با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مجازات جرم توهین ساده تغییر پیدا کرد و به جزای نقدی درجه ۶ تبدیل شد. البته شرط محکوم شدن بزهکار به جزای نقدی درجه ۶ آن است که الفاظ توهین‌آمیزی که وی نسبت به دیگری به کار می‌برد، مشمول عنوان حد قذف نگردد در غیر این صورت فرد مرتکب بر اساس مقررات باب حد قذف به ۸۰ ضربه شلاق محکوم می‌شود که این امر به‌عنوان توهین مشدد شناخته می‌شود. در همین راستا، چنانچه شخصی در فرایند دادرسی به شاهد و یا مطلع توهین نماید، به جزای نقدی درجه ۶ محکوم خواهد شد.

ایراداتی بر مجازات جرم توهین ساده موضوع ماده ۶۰۸ اصلاحی سال ۱۳۹۹ وارد است اولاً، فلسفه وجودی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری کاهش مجازات حبس در جرائم مختلف و حبس زدایی از نظام قضایی است. حال آنکه با نگاهی به ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ دریافت می‌شود که مجازات جرم توهین ساده شلاق تا ۷۴ ضربه و جزای نقدی از پنجاه‌هزار تا یک‌میلیون ریال است، بنابراین، حبس تعزیری به‌عنوان مجازات توهین ساده قلمداد نشده است تا با بهره‌گیری از فلسفه قانون کاهش مجازات حبس تعزیری بتوان میزان مجازات آن را کاهش داد، به عبارت

بهتر، قانون‌گذار در خصوص جرم توهین ساده خارج از دایره وجودی خود به وضع مقرره پرداخته است.

ثانیاً، حکم به جزای نقدی برای کسی که مرتکب توهین ساده شده است برای فرد بزه دیده درمانگر نیست. توضیح آن که یکی از اهداف مجازات آن است که نوعی آرامش خاطر را برای فرد بزه دیده ایجاد نماید (اردبیلی، ۱۳۹۴، ص ۳۲). حال آنکه با محکوم نمودن بزهکار به پرداخت جزای نقدی درجه ۶، آرامش خاطری برای فرد قربانی ایجاد نمی‌شود. لذا مجازات باید به گونه‌ای باشد که هم مساعد به حال بزهکار و هم مساعد به حال بزه دیده باشد.

با توجه به ایرادات فوق لازم است تا مقنن در نحوه تعیین مجازات برای فرد بزهکار در جرم توهین ساده بازنگری نماید و مجازاتی متناسب با اوضاع و احوال متهم و بزه دیده پیش‌بینی نماید.

با توجه به مطالب فوق‌الذکر توهین نسبت به شهود و مطلعین دارای جزای نقدی درجه ۶ است، فارغ از آن که توهین به شهود در جلسه رسیدگی باشد و یا آن که توهین به وی در خارج از محیط دادگستری رخ دهد. برخلاف حقوق آلمان که توهین همراه با تهدید به عنوان توهین ساده قلمداد می‌شود. در سیاست جنایی قانونی ایران توهین همراه با تهدید تعدد جرم بوده و فرد بزهکار به استناد ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ به مجازات اشد مندرج در دادنامه محکوم می‌گردد. تفاوت دیگر توهین ساده در حقوق ایران و آلمان آن است که در حقوق آلمان، توهین ارتجالی است، به این معنا که اگر کسی در اثنای فرایند دادرسی نسبت به شاهد و یا مطلع مرتکب توهین شود، شاهد و یا مطلع نیز می‌تواند به او توهین نماید. این توهین متقابل موجب سقوط مجازات از هر دو می‌شود. ارتجالی بودن توهین در حقوق ایران پذیرفته نشده و توهین متقابل طرفین نسبت به یکدیگر موجب مجازات نمودن هر دو آن‌ها می‌شود.

تفاوت دیگر مجازات توهین ساده در حقوق ایران و آلمان آن است که مطابق ماده ۱۳۲ قانون جزای آلمان با شکایت شاکی فرد مرتکب تعقیب می‌شود، اما این امر مطلق نیست و در برخی موارد با تحقق شروطی خود دادستان اقدام به تعقیب می‌نماید. لکن در نظام حقوقی ایران، جرم توهین ساده مطلقاً با شکایت شاکی آغاز می‌شود و باگذشت وی تعقیب متهم موقوف می‌گردد؛ بنابراین در حقوق ایران در هیچ صورتی مقام تعقیب

نمی‌تواند رأساً نسبت به تعقیب متهم اقدام نماید و فرد بزّه دیده باید در مقام شاکی شکایت خود را مطرح کند.

ب) قذف نمودن شاهد یا مطلع در فرایند دادرسی

از دیگر مصادیق توهین که ممکن است علیه شهود و مطلعین رخ دهد، قذف نمودن آنان است. قذف نوعی افترا به حساب می‌آید که فردی در آن عمل زنا و یا لواطی را به دیگری نسبت می‌دهد. برخلاف جرم توهین که صرفاً موهن بودن گفتار و رفتار نسبت به مخاطب زنده جرم محسوب می‌شود، در جرم قذف، نسبت دادن زنا و یا لواط به یک فرد مرده نیز جرم است. قذف باید روشن و بدون ابهام باشد و نسبت دهنده به معنای الفاظی که بیان می‌کند، آگاهی داشته باشد. قذف محدود به لفظ نیست و با نوشتن نیز تحقق پیدا می‌کند. مجازات فرد قذف‌کننده ۸۰ ضربه شلاق حدی است. گاه پیش می‌آید که به علت اظهاراتی که شهود و مطلعین در فرایند دادرسی بیان می‌کنند، مورد قذف اصحاب دعوی قرار گیرند، نظیر آن که به شاهد و مطلع گفته شود که "تو زناکار هستی و شرایط ادای شهادت را نداری". این امر به‌عنوان یکی از مصادیق جرم توهین نسبت به شهود و مطلعین پذیرفته شده است. این نوع از جرم توهین در کتب حقوقی به‌عنوان توهین مشدد شناخته می‌شود. از این‌رو، مجازات شلاق حدی بر فرد مرتکب بار می‌شود.

نتیجه‌گیری

شهود و مطلعین چشم و گوش نظام عدالت کیفری به حساب می‌آیند و باید توجه ویژه‌ای در ابعاد مختلف تقنینی، اجرایی و قضایی نسبت به آنان صورت گیرد. حمایت از شهود و مطلعین را می‌توان در قالب راهکارهای پیشگیرانه مورد تجزیه و تحلیل قرارداد. ثمره اجرای این امر آن است که با اتخاذ تدابیر پیشگیرانه نسبت به یاوران دستگاه عدالت کیفری از بزّه دیدگی و یا بزّه‌کاری مکرر شهود و مطلعین جلوگیری می‌گردد و آنان در پناه دادرسی منصفانه و به‌دوراز توهین‌های مختلف هر یک از اصحاب دعوی آنچه را که دیده و یا شنیده‌اند برای مرجع قضایی بازگو می‌نمایند و همچنین تضمین سلامت جسمی و روانی شهود و مطلعین موجب تضمین سلامت دادرسی می‌شود. با توجه به اهمیت و ضرورت حمایت از شهود و مطلعین در فرایند دادرسی در

سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران و آلمان، مقررات حمایتی مختلفی از شهود و مطلعین به عمل آمده است. این مقررات هم در حوزه حقوق ماهوی و هم در حوزه حقوق شکلی قابل طرح می‌باشند. در قانون جزای هر دو کشور، جرم مستقلی تحت عنوان توهین به شهود و مطلعین پیش‌بینی نشده است. به همین جهت، برای مجازات نمودن شخصی که نسبت به شاهد و مطلع، مرتکب توهین می‌شود، باید به قواعد عمومی مندرج در قوانین مزبور مراجعه نمود. در این راستا، ماده ۱۸۵ قانون جزای آلمان و ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی ایران بخش تعزیرات و مجازات بازدارنده، به واکاوی جرم توهین ساده پرداخته و مجازات آن را تشریح نموده‌اند. از این‌رو، در هر دو کشور برای محکوم نمودن فردی که نسبت به شهود و مطلعین، مرتکب توهین می‌شود، مجازات مندرج در مواد فوق بر آنان اعمال می‌گردد و در صورتی که مطابق قانون، رفتار مجرمانه دارای مجازات شدیدتری باشد، فرد مرتکب به مجازات شدیدتر محکوم می‌گردد.

یکی از تفاوت‌های اصلی حقوق کیفری ایران و آلمان در زمینه حمایت از شهود در قبال ارتکاب جرم توهین نسبت به آنان این است که در حقوق آلمان برای تضمین امنیت جانی و روانی شهود، وکیل پیش‌بینی شده است و وکیل می‌تواند همراه شاهد در جلسات دادرسی حاضر شود و یا آن‌که به جای وی در جلسه حاضر شده و اظهارات شاهد را برای مقام قضایی بیان کند. این امر در نظام حقوقی ایران پیش‌بینی نگردیده و صرفاً شاکی و متهم حق برخورداری از وکیل را دارند.

در نهایت با توجه به تحلیل‌های موجود می‌توان نتیجه گرفت که میان حقوق ایران و آلمان در خصوص جرم توهین نسبت به شهود و مطلعین شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد. مهم‌ترین شباهت‌های قوانین هر دو کشور در خصوص موضوع پژوهش عبارت‌اند از: ۱. جرم مستقلی تحت عنوان توهین علیه شهود و مطلعین در قوانین هر دو کشور پیش‌بینی نشده است و برای تحمیل ضمانت اجرای کیفری بر شخصی که نسبت به شاهد و یا مطلع مرتکب توهین می‌شود باید به قواعد عمومی راجع به مجازات توهین رجوع نمود.

۲. در هر دو کشور مقررات پیشگیرانه غیر کیفری خاصی در حمایت از شهود و مطلعین وضع شده و مقرره‌ای تحت عنوان حمایت از شهود و مطلعین در نظام حقوقی هر دو کشور به تصویب رسیده است.

با وجود شباهت‌هایی که میان حقوق ایران و آلمان در خصوص توهین نسبت به شهود و مطلعین وجود دارد، تفاوت‌هایی نیز در مقایسه این دو نظام ظاهر می‌گردد. مهم‌ترین تفاوت‌های موجود عبارت‌اند از:

۱. مجازات جرم توهین ساده در حقوق آلمان، حبس تا یک سال و یا جریمه مالی است. حال آنکه در حقوق کیفری ایران، مجازات فرد توهین‌کننده، جزای نقدی درجه ۶ است.

۲. در حقوق آلمان، توهین همراه با تهدید لفظی، توهین ساده قلمداد می‌شود و صرفاً مجازات مرتکب افزایش می‌یابد. این در حالی است که در حقوق ایران، توهین همراه با تهدید مشمول عنوان تعدد مادی بوده و فرد مرتکب بر اساس ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی به مجازات اشد مندرج در دادنامه محکوم می‌شود.

۳. در حقوق آلمان، توهین به صورت ارتجالی بوده و با رفتار متقابل طرفین، مجازات از هر دو ساقط می‌شود، اما چنین امری در حقوق ایران پذیرفته نشده است و توهین متقابل موجب مجازات شدن هر دو می‌گردد.

منابع

- ۱- اردبیلی، محمدعلی، «حقوق جزای عمومی»، جلد سوم، انتشارات میزان، چاپ سی و دوم، تهران، ۱۳۹۴.
- ۲- امیریان فارسانی، امین و بنی اسدی زینب، «بررسی حقوق شهود در نظام حقوق کیفری ایران با چشم‌انداز به دیوان کیفری بین‌المللی»، فصلنامه دست آورده‌ای نوین در حقوق عمومی، سال دوم، شماره ۶، ۱۴۰۲.
- ۳- آشوری، محمد، «آیین دادرسی کیفری»، جلد دوم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۳.
- ۴- باقری‌نژاد، زینب، «حمایت از شهود در فرایند کیفری»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال سوم، شماره ۶، ۱۳۸۷، الف.
- ۵- باقری‌نژاد، زینب، «مبانی حمایت از شهود و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۸۷.
- ۶- بوهلندر مایکل، «قانون مجازات آلمان»، ترجمه عباسی، اصلی، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۹۴.
- ۷- حسامی، زهرا، «تضمینات حقوق بشری تحقیقات مقدماتی دادرسی کیفری ایران و سوریه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، ۱۳۸۷.
- ۸- خالقی، علی، «آیین دادرسی کیفری»، جلد دوم، انتشارات شهر دانش، تهران، ۱۳۹۴.
- ۹- سید محمدی، سمیرا، «اصول فقه به روشی ساده»، جلد اول، انتشارات مشاهیر دادآفرین، چاپ ششم، تهران، ۱۳۹۷.
- ۱۰- عمید، حسن، «فرهنگ فارسی»، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۷.
- ۱۱- غفوری، احمد، «شرح آزمون قانون مجازات اسلامی»، انتشارات آریاداد، چاپ نود و پنجم، تهران، ۱۴۰۱.
- ۱۲- گیدنز، آنتونی، «جامعه‌شناسی»، ترجمه حسن چاوشیان، انتشارات نی، تهران، ۱۳۸۷.
- ۱۳- لوترمی، لورانس، «بایسته‌های حقوق کیفری عمومی فرانسه»، ترجمه محمود روح‌الامینی، انتشارات میزان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۷.
- ۱۴- لطف‌اللهی، محمد و امامی، امید، «بررسی جرم توهین در حقوق آلمان»، هفتمین

- همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران، ۱۳۸۹.
- ۱۵- میر محمد صادقی، حسین، «حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه اشخاص»، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ سیزدهم، تهران، ۱۳۹۲.
- ۱۶- میرکمالی، علیرضا، «جایگاه بزه دیده در قانون آیین دادرسی کیفری آلمان، آموزه‌های حقوق کیفری»، دوره جدید، شماره ۲، ۱۳۹۰.

Exploring The Crime Of Insulting Witnesses And Informants In The Legal Systems Of Iran And Germany

Seyed Mohammadreza Tekyeh khah^١, Zanko Vatan khah^٢, Haneyeh Fallah^٣

Abstract

Witnesses and informants, as two important factors of the criminal justice system, play an important role in discovering the truth and obtaining results. They should be able to express their statements in a clear and honest manner, under the protection of the principle of fair proceedings and away from insults from the litigants. Insulting the criminal justice system leads to disruption of the judicial process; In this case, they cannot state their statements as they deserve to discover the truth and achieve results. Therefore, measures should be taken so that the informants can finally express their opinion in the judicial authority independently and impartially. This research aims to investigate the crime of insulting witnesses and informants in two legal systems of Iran and Germany with a descriptive-analytical method and using library resources. The findings of the research showed that in both countries there is no independent crime under the title of insulting witnesses and informants, and to determine the guarantee of criminal execution of the criminal's continuous behavior against the actors of the criminal justice system, one should refer to the general regulations. Also, other provisions have been foreseen in the legal system of both countries, which includes a preventive approach.

Key words: insult, criminal justice, witness, fair trial, independence, impartiality;

^١. Master of Criminal Law and Criminology, University of Kurdistan,
Rezatk1375@gmail.com

^٢. Master's student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities and Social
Sciences, University of Kurdistan zankovatankhah10@gmail.com

^٣. Bachelor of Laws, Boali University of Hamadan, falahhanieh26@gmail.com